

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی (۲) یازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخ‌گویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمون‌های شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

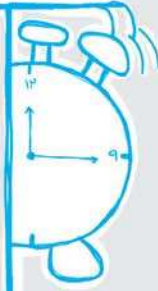
**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند (🙄) در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی زبان قرآن (۲) نیاز دارید، تنها در ۱۳ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



## بازمبندی درس عربی زبان قرآن (۲)

نوبت دوم	نوبت اول	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نمره ۲	مهارت واژه‌شناسی
نمره ۷	نمره ۷	مهارت ترجمه به فارسی
نمره ۷/۵	نمره ۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
نمره ۳	نمره ۳	مهارت درک و فهم
نمره ۰/۵	نمره ۰/۵	مهارت مکالمه
نمره ۲۰	نمره ۲۰	جمع

## فهرست

صفحه	صفحه	نوبت	نوبت
پاسخ‌نامه	آزمون		
۲۸	۳	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۲۹	۵	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۳۰	۷	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۳۱	۹	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
۳۲	۱۱	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۳۳	۱۳	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۳۴	۱۵	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۳۵	۱۸	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده)
۳۶	۲۰	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده)
۳۶	۲۲	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده)
۳۸	۲۴	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده)
۳۸	۲۶	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده)
۴۰			درس‌نامه توپ برای شب امتحان

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به‌جز رشته انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ردیف	آزمون شماره ۱			
<b>درس اول</b>				
۰/۵	په‌ها! متن هر درس رو خوب بنویسین لطفاً چون معلماً معمولاً این‌ها رو سوال‌ها رو از متن درس می‌دن!			۱ ترجمه‌ی کلمات الّتی تحتها خطّ. بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ.
۱	این سوال، نقش کلمه رو می‌فواد. هتماً باید به نگاهی به قواعد کتاب دهمتون بندازین!			۲ اذكر المحلّ الإعرابي للكلمات الّتی تحتها خطّ. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
۰/۵	اسم مکان وزن‌های مفهومی داره!			۳ عین اسم المكان في هذه الجملة ثمّ ترجمه. قَرِيبٌ مِنْ بَيْتِنَا مَكْتَبَةٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا كُتُبٌ قِيَمَةٌ.
۱	اسم تفضیل بیشتر بر وزن «أفعل» میاد. هواستون به اون دو کلمه خاص هم باشه!			۴ عین اسم التفضیل في هاتین الجملتین ثمّ ترجم اسم التفضیل فقط. الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ب) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ.
۰/۲۵	باید ریاضیتون خوب باشه!			۵ اكتب في الفراغ عدداً مناسباً. سَبْعَةٌ وَ حَمْسُونَ زَائِدٌ سِتَّةٍ وَ ثَلَاثِينَ يُسَاوِي .....
۰/۵	اینم به دوره‌ای از سال قبله. درس آفر!			۶ عین اسم الفاعل أو اسم المفعول أو اسم المبالغة. (اثنين) الف) إِنَّ اللَّهَ عَفَا ذُنُوبَهُ.
۰/۲۵	مکالمه‌های کتاب رو خوب یاد بگیرین. چون این سوال از مکالمه هر درس میاد. باید جمله‌سازی کنید شما!			۷ رتبّ الكلمات و اكتب جملة صحيحة كاملة. «يَكُمُ - السراويل - تومان - هذه - ؟»
۱	هواستون باشه علاوه بر این که معنی کلمات رو درست می‌نویسین، جمله‌بندی‌تون هم فارسی باشه؛ یعنی سافتار عربی رو وارد فارسی نکنین!			۸ ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.
<b>درس دوم</b>				
۰/۵	برای مترادف و متضادها، هتماً به جدول‌هایی که توی درس‌نامه‌ها براتون آوردم، به نگاهی بندازین.			۹ اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة واحدة زائدة) «إثم - بعيد - دنا - ذنب - بعد» الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....
۱/۵	تو این سوال باید نوع و زمان فعل رو خوب تشخیص بدین!			۱۰ ترجمه‌ی کلمات الّتی تحتها خطّ. الف) الْمُؤْمِنُ اِتَّبَعَدَ عَنِ الْمَعَاصِي. ب) جَالِسِ الْعُلَمَاءِ وَ الْعُقَلَاءِ. ج) قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ. د) سَيَسْتَسِحِبُ الْعَدُوَّ مِنْ أَرْضِينَا. ه) يَسْتُخْدِمُ الْمُدْرَسُ أَسَالِيْبَ جَدِيْدَةً فِي التَّدْرِيسِ.
۲	فارسی روان فراموش نشه. هواستون به اسلوب شرط و ماضی استمراری هم باشه!			۱۱ ترجم الجملتين إلى الفارسيّة المألوفة. الف) ﴿وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ ب) كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْتَبًا.
۰/۲۵				۱۲ أجب عن السّؤال حسب الصّورة. أهذه نافذة؟ .....
۱/۵	فعل شرط معمولاً مسپیده به ادات شرط. جواب شرط هم معمولاً یک‌کی پلوتر میاد!			۱۳ عین فعل الشرط في الجملة الأولى و جواب الشرط في الجملة الثانية ثمّ ترجم الجملتين. الف) ﴿وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ ب) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ.
۰/۷۵	هواستون به تعاد و جنس کلمه‌ها باشه تا بتونین فعل مناسب رو انتخاب کنین. ضمناً فعل شرط هم می‌زومه. از ما گفتن بود!	<input type="checkbox"/> اکتبوا <input type="checkbox"/> اکتب <input type="checkbox"/> اکتبوا <input type="checkbox"/> تنصرو <input type="checkbox"/> تنصرو <input type="checkbox"/> تنصرو <input type="checkbox"/> لا تتكلّمون <input type="checkbox"/> لا تتكلّم <input type="checkbox"/> لا تتكلّمون		۱۴ عین الفعل المناسب للفراغ. الف) يا تلاميذُ رجاءٌ ..... تمارينكم يديهِ. ب) إن ..... صديقك فهو يساعدك أيضاً. ج) الطالباتُ ..... بدون إذن المُعلّمة.

ردیف	آزمون شماره ۱	عربی زبان قرآن (۲)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
۱۵	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) العالم حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتاً. ب) أَنْ لَا يَعِصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ.	(۱) دانشمند زنده است اگر چه مرده باشد. (۲) از دستورات معلم سرپیچی نمی‌کند.	(۱) دانشمند مرده، هم‌چنان زنده است. (۲) که از دستورات معلم سرپیچی نکند.	فقط هی توئم بگم دخت کنیدا!	۰/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم
۱۶	اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ. كَانَ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ يَصْرُحُ الطَّلَابَ بِسُلُوكِهِ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي حَلَفَهُ وَ يَلْتَقِي تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ. شَاهِدَهُ مَرَّةً الْمُعَلِّمُ وَ هُوَ يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جُنْبَهُ. فَحَزِنَ أَخَذَ الطَّلَابُ مِنْ أَعْمَالِهِ فَذَهَبَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِ فَقَالَ لَهُ: «أُرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً حَوْلَ الْأَدَابِ فِي مَجْلِسِ الدَّرْسِ». فَقَالَ الْمُعَلِّمُ: «فِكْرَةٌ رَائِعَةٌ. عَلَيْكَ أَنْ تَطَّلِعَ كِتَابَ «مَنِيَةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ فَهَوَّ يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِِنْشَائِكَ. إِنْ تَقْرَأُ إِِنْشَائَكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَّبِعُكَ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ» وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ إِِنْشَائِهِ: لِلطَّلِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ فَأَهْمُهَا: □ (۱) أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطَّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. □ (۲) الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ وَ الْاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِلصَّرْوَةِ. ب) هَلْ كَانَ الطَّلِبُ الْمُشَاغِبُ يَنْفَعُ الطَّلَابَ بِسُلُوكِهِ؟ د) عَنِ أَيِّ مَوْضُوعٍ كَانَ إِِنْشَاءُ أَحَدِ الطَّلَابِ؟ ه) لِمَنْ كِتَابُ «مَنِيَةِ الْمُرِيدِ»؟ و) أَيُّ جُمْلَةٍ فِي النَّصِّ مِنْ آدَابِ الطَّلِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ؟ □ (۱) أَنْ يَلْتَقِيَ إِلَى الْوَرَاءِ وَ عَدَمُ الْاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ. □ (۲) عَدَمُ التَّكَلُّمِ مَعَ بَقِيَّةِ الطَّلَابِ عِنْدَ التَّدْرِيسِ.	□ (۱) أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطَّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. □ (۲) الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ وَ الْاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِلصَّرْوَةِ. ب) هَلْ كَانَ الطَّلِبُ الْمُشَاغِبُ يَنْفَعُ الطَّلَابَ بِسُلُوكِهِ؟ د) عَنِ أَيِّ مَوْضُوعٍ كَانَ إِِنْشَاءُ أَحَدِ الطَّلَابِ؟ ه) لِمَنْ كِتَابُ «مَنِيَةِ الْمُرِيدِ»؟ و) أَيُّ جُمْلَةٍ فِي النَّصِّ مِنْ آدَابِ الطَّلِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ؟ □ (۱) أَنْ يَلْتَقِيَ إِلَى الْوَرَاءِ وَ عَدَمُ الْاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ. □ (۲) عَدَمُ التَّكَلُّمِ مَعَ بَقِيَّةِ الطَّلَابِ عِنْدَ التَّدْرِيسِ.	□ (۱) أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطَّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. □ (۲) الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ وَ الْاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِلصَّرْوَةِ. ب) هَلْ كَانَ الطَّلِبُ الْمُشَاغِبُ يَنْفَعُ الطَّلَابَ بِسُلُوكِهِ؟ د) عَنِ أَيِّ مَوْضُوعٍ كَانَ إِِنْشَاءُ أَحَدِ الطَّلَابِ؟ ه) لِمَنْ كِتَابُ «مَنِيَةِ الْمُرِيدِ»؟ و) أَيُّ جُمْلَةٍ فِي النَّصِّ مِنْ آدَابِ الطَّلِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ؟ □ (۱) أَنْ يَلْتَقِيَ إِلَى الْوَرَاءِ وَ عَدَمُ الْاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ. □ (۲) عَدَمُ التَّكَلُّمِ مَعَ بَقِيَّةِ الطَّلَابِ عِنْدَ التَّدْرِيسِ.	زبان پهنری پز درک متن نیست. فوب متن رو بقونین؛ لازم نیست معنی تک تک کلمه‌ها رو بفهمین، فقط مفهوم کل متن رو دریابید.	۱/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم
۱۷	أكتب مُفرد أو جمع الكلمتين. الف) أَعْصَانُ: ..... ب) بَدْرٌ: .....	أكتب مُفرد أو جمع الكلمتين. الف) أَعْصَانُ: ..... ب) بَدْرٌ: .....	هتماً به جدول جمع مکسر توی درس نامه‌ها دقت کنید.	۰/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۱۸	ترجم هذه العبارة حسب قواعد المعرفة و التكررة ثم عین المعرفة. ﴿ فِيهَا مُضَبَّحٌ الْمُضَبَّحُ فِي رُجَاةٍ ﴾	ترجم هذه العبارة حسب قواعد المعرفة و التكررة ثم عین المعرفة. ﴿ فِيهَا مُضَبَّحٌ الْمُضَبَّحُ فِي رُجَاةٍ ﴾	علامت‌های معرفه و تکرره که یادتون هست؟!	۰/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۱۹	صَحِّحْ فِي الْمَرْبَعِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» ۱) الْمُعْتَرُ ۲) الْإِلْتِفَاتُ ۳) السَّوَارُ ۴) الْمُحِيطُ الْهَادِي ۵) السَّائِقُ ۶) الْمَوَاصِفَاتُ ۷) الْإِسْتِعَالُ ۸) الْمَزَارِعُ	صَحِّحْ فِي الْمَرْبَعِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» □ زَيْنَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ. □ هُوَ بَحْرٌ كَبِيرٌ يُعَادِلُ ثَلَاثَ الْأَرْضِ. □ صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ. □ الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ. □ التَّجَمُّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. □ الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْراً طَوِيلاً.	مهارت واژه‌شناسی‌تون رو مفلک بزنیید. هتماً به قسمت کلمات مهم هر درس مراجعه کنین!	۱/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۲۰	إملاً فراغات الترجمة الفارسيّة. الف) الشَّجَرَةُ الْخَائِنَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ: درخت ..... درختی است که در برخی جنگل‌های استوایی ..... ب) إِرْرَعُوا وَ اغْرَسُوا ..... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلاً أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ: ..... و ..... به خدا سوگند مردم کاری ..... و ..... از آن انجام نداده‌اند.	إملاً فراغات الترجمة الفارسيّة. الف) الشَّجَرَةُ الْخَائِنَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ: درخت ..... درختی است که در برخی جنگل‌های استوایی ..... ب) إِرْرَعُوا وَ اغْرَسُوا ..... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلاً أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ: ..... و ..... به خدا سوگند مردم کاری ..... و ..... از آن انجام نداده‌اند.	متن درس‌ها و تمرین‌ها، کاندیدی طرح این سؤالین!	۱/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۲۱	ترجم إلى الفارسيّة المألوفة. عَالِمٌ يُتَنَفَّعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.	ترجم إلى الفارسيّة المألوفة. عَالِمٌ يُتَنَفَّعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.	تمرین‌ها هم توی این نوع سؤال، موهمن!	۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۲۲	عین الكلمة الغريبة في المعنى. الف) لُبٌّ ب) سِرْوَالٌ	عین الكلمة الغريبة في المعنى. □ حُبٌّ □ مَوَدَّةٌ □ فُسْتَانٌ □ قَمِيصٌ □ سَمَكٌ □ مَعْمُولٌ فِيهِ بَرْتَه!	سه تا کلمه ارتباط معنایی دارن. اون یکی معمولاً فیلی برته!	۰/۵	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۲۳	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. ﴿ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾	ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة. ﴿ وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ﴾	بیشتر عبارت‌های کتاب‌های همد از قرآن و احادیث گرفته شده. لطفاً و هتماً فوب این عبارت‌ها رو یاد بگیرین، چون پای ثابت امتحانات هستن!	۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	جمع نمرات	۲۰	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	

ردیف	آزمون شماره ۹	عربی زبان قرآن (۲)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com	شماره
نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم						نمره
۱	الف) مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره) ترجم کلمات التي تحتها خط. جاء رجل إلى رسول الله ﷺ فقال: علمني خلقاً يجمع لي خير الدنيا والآخرة. فقال: لا تكذب.					۰/۵
۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة واحدة زائدة) «قيام - ديباج - بعت - جلوس - أرسل» الف) ..... = ..... ب) ..... ≠ .....					۰/۵
۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) زُملاء: ..... ب) بهيمة: .....					۰/۵
۴	عين الكلمة الغريبة في المعنى. الف) كَلَّمَ <input type="checkbox"/> ب) أَكْرَمَ <input type="checkbox"/> حَدَّثَ <input type="checkbox"/> أَسْوَدَ <input type="checkbox"/> كَمَلَّ <input type="checkbox"/> أَبْيَضَ <input type="checkbox"/> تَكَلَّمَ <input type="checkbox"/> أَصْفَرَ <input type="checkbox"/>					۰/۵
۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره) ترجم هذه الجمل إلى الفارسية المألوفة. الف) أتقى الناس من قال الحق في ما له و عليه. ج) من أخلاق الجاهل الإجابة قبل أن يسمع و المعارضة قبل أن يفهم. ه) لا بد أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي.					۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) «يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم و الله أعلم بما يكتمون» ۱) با دهانشان آن چه را که در قلب‌ها پنهان نیست می‌گویند و خدا به دروغی که بر زبان می‌رانند، آگاه است. ۲) با دهان‌ها پنهان آن چه را که در دل‌ها پنهان نیست می‌گویند و خدا به آن چه پنهان می‌کنند، دانایتر است. ب) قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا. ۱) حق را بگو، هر چند تلخ باشد. ۲) حق را می‌گویم آن چنان که تلخ است.					۰/۵
۷	املاً فراغات الترجمة الفارسية. الف) إِنْ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ تَكَرَّرَ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ. از ..... بندگان خدا کسی است که ..... با او به خاطر گفتار و کردار زشتش، ناپسند شمرده شود. ب) قَرَّرَ أَرَبَهُ طُلَّابٌ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأَسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَقَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ سَيَّارَتِنَا انْفَجَرَ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ. چهار دانشجو ..... که در امتحان غیبت کنند و با استاد تماس تلفنی گرفتند و به او گفتند: «..... خودروی ما ترکید و خودرویی نیست که ما را به ..... منتقل کند و ..... حاضر شویم.»					۱/۵
۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره) ترجم الأفعال التي تحتها خط. الف) لِمَاذَا لَا تَخْرُجُونَ مِنْ صُفُوفِكُمْ؟ ب) أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، أَشْكُرُوا رَبَّكُمْ. ج) أَلْتَلَامِيذُ مَا رَجَعُوا مِنَ السَّفَرِ الْعِلْمِيَّةِ. د) إِنِّي سَوْفَ أُسَافِرُ لِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ.					۱
۹	عين نوع الأفعال في الجمل التالية. الف) «أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا حُلَّةَ» ب) يَا حَاجُّ، رَجَاءٌ، رَاجِعٌ طَبِيبًا.					۱
۱۰	عين نوع الأسماء: اسم الفاعل، أو اسم المفعول، أو اسم المبالغة، أو اسم المكان، أو اسم التفضيل. (اثنين) الف) هُنَاكَ مَطَابِعٌ كَثِيرَةٌ فِي سَاحَةِ انْقِلَابٍ. ب) «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ»					۰/۵
۱۱	عين جواب الشرط، ثم عين الترجمة الصحيحة. إِنْ صَبَرْتَ حَصَلَتْ عَلَيَّ النَّجَاحُ فِي حَيَاتِكَ. ۱) قطعاً اگر صبر کنی، موفقیت را در زندگی به دست می‌آوری. ۲) اگر صبر کنی، موفقیت را در زندگی‌ات به دست می‌آوری.					۰/۵
۱۲	اكتب في الفراغ عدداً مناسباً. عَشْرُونَ زَائِدٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ..... .					۰/۵

ردیف	عربی زبان قرآن (۲)	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	kheilisabz.com	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	نمره
	<b>آزمون شماره ۹</b>					
۱۳	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ب) ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾				۱	
۱۴	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿عَلَى اللَّهِ فُلَيْتَوُكُلِّ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ب) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾				۱	
۱۵	ترجم هاتین الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة. الف) كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ب) كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.				۱	
۱۶	أذكر المحلَّ الإعرابيَّ للكلمات التي تحتها خطٌّ. يَكْتُبُ الْمُدْرِسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوحِ.				۱	
	(د) مهارت درک و فهم (۳ نمره)					
۱۷	ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كلمتان زائدتان) «غَايَةٌ - السُّرُوَالُ - أَلْبَرَنَامُج - مُحَاضِرَةٌ - السَّرِير - السُّفُنُ - مُحَضَّرَةٌ - الْمُفْرَدَاتُ - الثَّقَافَةُ» الف) ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ .....﴾ ج) إِنَّ ..... هِيَ الْقِيمَةُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. ه) أَلشَّرَشَفُ قِطْعَةٌ قَمَائِشٍ تَوْضَعُ عَلَى .....				۱/۵	
	ب) بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ، إِزْدَادَتْ ..... الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ. د) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ ..... لَا تُذْرَكُ. و) أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ ..... حَوْلَ شِمِيلِ.					
۱۸	عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. الف) مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ شُجَاعٌ. ج) عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعُنَاصِرِ. ه) الْمَشَاغِبُ هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ.				۱/۵	
	(ه) مهارت مکالمه (۵/۵ نمره)					
۱۹	أجب عن السؤال التالي. بِمَ تُسَافِرُ إِلَى مَشْهَدٍ؟ .....				۰/۲۵	
۲۰	رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. «بِأَلْمِ - رَأْسِي - فِي - بِكَ - أَشْعُرُ - مَا - ؟ - .» .....				۰/۲۵	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشيد				



# پاسخنامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- آلوده شدن به گناه (چه) بد کاری است.

۲- «أَحْبُّ: مبتدا و مرفوع» (اسم مرفوع ابتدای جمله، مبتدا است)، «عِبَاد: مضاف الیه و مجرور» (مضاف الیه بیشتر وقتها «ی» می گیرد)، «أَنْفَعُ: خبر و مرفوع» (اسم مرفوعی که معنای مبتدا را کامل کند، خبر است) و «عِبَاد: مجرور به حرف جرّ» (اسم های بعد از حرف جرّ «لِ، بِ، فِي و ...» مجرور به حرف جرّند. این اسمها بیشتر وقتها «ی» دارند).

تجملات: «محبوبترین بندگان خداوند، سودمندترینشان برای بندگان است.»

۳- اسم مکان بر وزن های «مَفْعَل، مَفْعَل و مَفْعَلَة» می آید، درست مثل «مَكْتَبَة»

تجملات: «نزدیک خانه ما کتابخانه بزرگی هست که در آن کتابهای ارزشمندی وجود دارد.»

۴- اسم تفضیل بیشتر وقتها بر وزن «أَفْعَل» می آید. دو کلمه «خَيْر» و «شَر» هم به شرطی که مضاف شوند یا بعدشان «مِن» بیاید، اسم تفضیل اند. پس در «الف» «خَيْر» و در «ب» «أَثْقَل» اسم تفضیل اند.

تجملات: الف) شب قدر از هزار شب، بهتر است.

ب) در ترازوی اعمال، چیزی سنگین تر از اخلاق خوب نیست.

۵- ثَلَاثَةٌ وَ تَسْعِيْنٌ: پنجاه و هفت به اضافه سی و شش برابر است با نود و سه.

۶- «عَفَّار» اسم مبالغه است. چرا؟ چون بر وزن «فَعَال» است. اسم مفعول هم از فعل هایی که سوم شخص مفردشان سه حرف است، بر وزن مَفْعُول می آید؛ پس «مَعْبُود» اسم مفعول است.

تجملات: الف) بی شک خدا بسیار آمرزنده گناهان است.

ب) ای معبودی (پرستیده شده ای) که شریکی نداری.

۷- به به! زبان است و مکالمه اش! در جملات پرسشی، ادات پرسشی ابتدای جمله می آید.

يَكُمُ تَومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟: این شلوارها چند تومان است؟

۸- آن تلاشی زشت برای نمایاندن رازهای مردم به منظور رسواکردنشان است.

۹- الف) اِثْمٌ = ذَنْبٌ: گناه / ب) ذَنْبٌ: نزدیک شد بِعَدَدٍ: دور شد

كَلِمَةٌ اِضَافِيٌّ: بَعِيدٌ: دور

۱۰- الف) مؤمن از گناهان دوری کرد. («إِيْتَعَدَ» فعل ماضی باب اِفْتَعَال است.)

ب) با دانشمندان و خردمندان همنشینی کن. («جَالَسَ» فعل امر باب مَفَاعَله است.)

ج) خداوند، شراب را حرام کرده است. («حَرَّمَ» فعل ماضی باب تَفَعِيل است. ضمن این که «قَدْ» باعث شده این فعل به صورت ماضی نقلی ترجمه شود.)

د) دشمن از سرزمین های ما عقب نشینی خواهد کرد. («سَيَسْجِبُ» فعل مستقبل و از باب اِنْفَعَال است.)

ه) معلم در درس دادن، شیوه هایی جدید را استفاده می کند. («يَسْتَحْدِثُ» فعل مضارع باب اِسْتِفْعَال است.)

و) آن مرد را از غرق شدن نجات بده. («أَنْقَذَ» فعل امر باب اِفْعَال است.)

۱۱- الف) هر چه از نیکی انفاق کنید، خداوند به آن داناست. («تَتَّقُوا» فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. جمله «إِنَّ اللَّهَ ...» هم جواب شرط است و «فَ» ابتدای آن ترجمه نمی شود.)

ب) دانش آموز از معلم زیست شناسی برای مچ گیری سؤال می کرد. (یادتان هست که «كَانَ + مضارع» را به صورت ماضی استمراری ترجمه می کردیم؟!)

۱۲- لا، هَذِهِ سَبُورَةٌ. آیا این پنجره است؟ نه؛ این یک تخته سیاه است.

۱۳- الف) «تَقَدَّمُوا» فعل شرط است. چرا؟ چون چسبیده به ادات شرط (ما) و «ن» اش هم حذف شده! بد نیست بدانید که «تجدوا» هم فعل جواب شرط است.

تجملات: «هر چه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می یابید.»

ب) «هرگاه عقل کامل شود، سخن کم می شود.» «إِذَا» ادات شرطی است که تغییر ظاهری در فعل های شرط و جواب شرط به وجود نمی آورد، ضمن این که اصلاً وقتی فعل های شرط و جواب شرط ماضی باشند تغییری در ظاهرشان نخواهیم دید. خلاصه! «تَقَصَّ» جواب شرط است. فعل جواب شرط از ادات شرط کمی دورتر است!

۱۴- الف) ای دانش آموزان، تمرین هایتان را به دقت ..... .

بنویسید  بنویس  بنویسید

چون «تلامیذ» جمع مذکر است باید از فعل جمع مذکر استفاده کنیم. «أَكْتُبُ» فعل مفرد مذکر و «أَكْتُبَا» متناست.

ب) إِنْ تَنْصُرْ صَدِيقَكَ فَهُوَ يُسَاعِدُكَ أَيضاً: اگر دوستت را یاری کنی، او هم به تو کمک خواهد کرد.

«إِنْ» ادات شرط است و باعث می شود فعل بعدش تغییر کند. پس «تَنْصُرُ» غلط است! از طرفی ضمیر «كَ» نشان می دهد که باید از فعل مذکر استفاده کنیم. «تَنْصُرِي» فعل مؤنث است.

ج) دانش آموزان بدون اجازه معلم ..... .

حرف نمی زنند  حرف نمی زند  حرف نمی زنید

اولاً که «الطَّالِبَات» جمع است، پس «لَا تَتَكَلَّمُنَّ» که مفرد است می رود پی سرنوشتش! از طرفی، جمله دارد درباره دانش آموزان صحبت می کند و باید از فعل سوم شخص استفاده کنیم. «لَا تَتَكَلَّمُنَّ» فعل دوم شخص است.

۱۵- الف) گزینۀ «۱»، در گزینۀ «۲»، «إِنْ» ترجمه نشده و جای «مرده» و «زنده» عوض شده است. ب) گزینۀ «۲» «أَنْ + فعل مضارع» به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. ضمن این که «أوامر» جمع است.

۱۶- تجملات: در کلاس یازدهم، دانش آموزی اخلاک گر بود که با رفتارش به دانش آموزان ضرر می رساند، با پشت سری اش حرف می زد و یک بار به عقب برمی گشت. معلم یک بار او را دید در حالی که با کسی که کنارش نشسته بود، آهسته صحبت می کرد (پیچ می کرد). یکی از دانش آموزان از کارهایش ناراحت شد و نزد معلم رفت و به او گفت: «می خواهی انشایی درباره آداب کلاس درس بنویسم.» معلم (در پاسخ) گفت: «ایده جالبی است. باید کتاب «منیة المرید» زین الدین عاملی را مطالعه کنی که آن، به تو در انشایت کمک می کند. اگر انشایت را مقابل دانش آموزان بخوانی، هم کلاسی اخلاک گرت هم آگاه خواهد شد.» این، بخشی از انشایش است:

دانش آموز در پیشگاه معلم، آدابی دارد که مهم ترینشان عبارت اند از:

۱) هنگامی که معلم در حال درس دادن است، با کسی از دانش آموزان صحبت نکنند.  
۲) با ادب مقابلش بنشینند و به دقت به او گوش کند و جز به هنگام ضرورت، به عقب رو برنگردانند.

الف) الحادي عَشَرَ: دانش آموزان در کدام کلاس هستند؟ یازدهم.

ب) لا؛ هُوَ كَانَ يَصُرُّ الطَّلَابَ يَسْلُو كَيْفَهُ. آیا دانش آموز اخلاک گر با رفتارش به دانش آموزان سود می رساند؟ نه؛ او با رفتارش به دانش آموزان، ضرر می رساند.

ج) عِنْدَمَا يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جُنْبَهُ. معلم در چه حالتی دانش آموز اخلاک گر را دید؟ هنگامی که با کسی که کنارش نشسته بود، آهسته حرف می زد.

د) آداب الطَّلَابِ فِي مَجْلِسِ الدَّرْسِ. انشای یکی از دانش آموزان در مورد چه چیزی بود؟ آداب دانش آموز در کلاس درس.

ه) زین الدین عاملی. کتاب «منیة المرید» برای چه کسی است؟ برای زین الدین عاملی.  
و) کدام جمله در متن از آداب دانش آموز در محضر معلم است؟

۱)  که به پشت سر برگردد و به او گوش نکند.

۲)  هنگام آموزش با بقیه دانش آموزان، حرف نزنند.

۱۷- الف) أَغْصَانٌ ← مفرد ← غُصْنٌ (شاخه)

ب) يَتْرُكُ ← جمع ← يَتْرُكُ (دانه‌ها)

۱۸- در آن چراغی هست. آن چراغ در شیشه‌ای هست.

در ترجمه اسم‌های نکره مثل «مِصْبَاحٌ» و «زِجَاجِيَّةٌ» از «یک، ی» کمک می‌گیریم.

«المِصْبَاحُ» هم چون «ال» دارد، معرفه است. در ترجمه‌اش هم از «آن» استفاده کردیم.

۱۹- (۱) الْمَعْمَرُ هُوَ الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْراً طَوِيلاً: کهنسال، کسی (چیزی) است که خداوند

به او عمر درازی می‌دهد.

(۲) الْإِلْتِفَافُ هُوَ التَّجَمُّعُ وَالذَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ: به دور چیزی پیچیدن، جمع شدن و

چرخش دور چیزی است.

(۳) السَّوَارُ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ: دستبند، زینتی از طلا یا نقره است.

(۴) الْمُحِيطُ الْهَادِي هُوَ بَحْرٌ كَبِيرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ: اقیانوس آرام، دریای بزرگی است که

معادل یک سوم زمین است.

(۵) الْمَوَاصِفَاتُ هِيَ صِفَاتٌ أَخَذَ أَوْ شَيْءٍ: مشخصات، ویژگی‌های یک نفر یا یک چیز است.

(۶) الْمَزَارِعُ هُوَ الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ: کشاورز کسی است که در مزرعه کار می‌کند.

کلمات اضافی: السَّائِقُ: راننده / الإِشْتِعَالُ: سوختن

۲۰- الف) درخت خفه‌کننده، درختی است که در برخی جنگل‌های استوایی رشد می‌کند.

ب) کشاورزی کنید و نهال بکارید. به خدا سوگند مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از

آن انجام نداده‌اند.

۲۱- دانشمندی که از دانشش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عابد است. دقت کنید که

«يُتَنَفَّعُ» فعل مجهول است.

۲۲- الف)  مغز میوه  دوست داشتن

دوست داشتن  دوستی

ب)  شلوار  پیراهن  پیراهن زنانه  ماهی

۲۳- از چیزی که نسبت به آن علم نداری، پیروی نکن. (ترکیب آیس + ل + اسم (ضمیر)

مفهوم «نداشتن» را می‌سازند.)

۹- الف) «أَنْفِقُوا» فعل امر از باب إفعال، «رَزَقْنَا» فعل ماضی و «يَأْتِي» فعل مضارع است. **ترجمه عبارت:** «از آن چه به شما روزی دادیم، انفاق کنید، قبل از آن که روزی بیاید که در آن داد و ستدی و دوستی‌ای و شفاعتی نیست.»  
(ب) «رَاجِعْ» فعل امر از باب مفاعلة است.

**ترجمه عبارت:** «ای حاجی، لطفاً به پزشک مراجعه کن.»

۱۰- الف) جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِلِ» می‌آید؛ مثل همین «مَطَابِعِ» که جمع «مَطْبَعَةٍ» است.

**ترجمه عبارت:** «چاپخانه‌های بسیاری در میدان انقلاب هست.»

(ب) اسم مبالغه بر وزن «فَعَالِ» می‌آید؛ مثل «التَّوَّابِينَ».

**ترجمه عبارت:** «قطعاً خداوند بسیار توبه‌کنندگان را دوست دارد.»

۱۱- گزینه «۲» «إِنْ» ادات شرط به معنای «اگر» است و نباید آن را با «إِنَّ؛ قطعاً» اشتباه بگیریم. ضمن این که در «الف» ضمیر «ك» ترجمه نشده است.

۱۲- ثلاثین: بیست به اضافه ده مساوی است با سی.

۱۳- الف) به نیکی دست نخواهید یافت تا این که از آن چه دوست دارید، انفاق کنید. («لَنْ» و «حَتَّى» هر دو باعث شدند «ن» از فعل‌های «تَنَالُوا» و «تُحِبُّوا» حذف شود.

هم‌چنین «لَنْ» + مضارع: مستقبل منفی و «حَتَّى» + مضارع: تا + مضارع التزامی)

(ب) می‌خواهند که سخن خدا را تغییر دهند. («أَنْ» خودش به صورت «که» ترجمه می‌شود و فعل بعدش هم به صورت مضارع التزامی)

۱۴- الف) مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند. («لِ» امر بر سر صیغه‌های اول شخص و سوم شخص به معنای «باید» است، چون قبلش «فَ» آمده «لِ» ساکن شده. ضمناً آخر فعل هم برای راحتی در تلفظ، کسره گرفته است.)

(ب) اعراب گفتند: «ایمان آوردیم» بگو ایمان نیاورده‌اید. (لَمْ + فعل مضارع: ماضی منفی ساده یا نقلی))

۱۵- الف) سعید به دوستش کمک کرده بود. (كَانَ + فعل ماضی: ماضی بعید)

(ب) سعید به دوستش کمک می‌کرد. (كَانَ + فعل مضارع: ماضی استمراری)

۱۶- «الْمُدْرَسُ» «مُ» دارد و انجام‌دهنده فعل «يَكْتُبُ» است. پس فاعل است. «قَوَاعِدُ» «مَ» دارد و کاری رویش انجام شده، پس مفعول به است. «الدَّرْسِ» به «قواعد» اضافه شده و کسره گرفته، پس مضاف‌الیه است. «اللُّوحِ» هم بعد از حرف جرّ «عَلَى» آمده و مجرور به حرف جرّ محسوب می‌شود.

۱۷- الف) مُخَضَّرَةٌ / از آسمان آبی نازل کرد و زمین سرسبز می‌شود.

(ب) الْمُفْرَدَاتُ / بعد از ظهور اسلام، واژگان عربی در فارسی افزایش یافت.

(ج) الثَّقَافَةُ / فرهنگ، ارزش‌های مشترک بین گروهی از مردم است.

(د) غَايَةٌ / گویا راضی کردن همه مردم، هدفی دست‌نیافتنی است.

(ه) السَّرِيرُ / ملحفه، قطعه پارچه‌ای است که روی تخت قرار داده می‌شود.

(و) مُحَاضَرَةٌ. استاد در دانشگاه، درباره شیمیل سخنرانی کرد.

**کلمات اضافی:** السَّرْوَال: شلوار / البرنامج: برنامه

۱۸- الف) نادرست / هر کس مردم از زبانش بترسند، شجاع است. (قسمت آخر عبارت باید این باشد: «فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؛ او اهل آتش است.»)

(ب) درست / کتاب، دوستی است که ما را از مصیبت نادانی نجات می‌دهد.

(ج) نادرست / تعریف ارائه‌شده مربوط به «الکیمیاء: شیمی» است نه «علم الأحياء: زیست‌شناسی». علم مطالعه خواص عناصر!

(د) درست / آلوده‌شدن به گناه، ترک دستورات خداوند و انجام گناه است.

(ه) درست / اخلاق‌گر کسی است که سبب مشکل می‌شود و به نظم آسیب می‌زند.

(و) درست / نمادهای پیشرفت در عرصه‌های دانش، صنعت و ادبیات، تمدن نامیده می‌شود.

۱۹- بِالطَّائِرَةِ. با چه چیزی به مشهد سفر می‌کنی؟ با هواپیما.

۲۰- مَا بِكَ؟ أَشَعْرُ بِأَلَمٍ شَدِيدٍ فِي رَأْسِي؛ چت شده است؟ در سرم احساس درد شدیدی می‌کنم. (جای کلمه پرسشی، ابتدای جمله است.)

### آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- مردی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: «اخلاقی به من بیاموز که خیر دنیا و آخرت را برایم جمع کند.» پیامبر فرمود: «دروغ نگو»

یک نکته خیلی جالب دارد این سؤال. «ن» در «عَلَّمَنِي» «ن» و قایه است.

۲- الف) يَغْتَفَّ = أُرْسَلَتْ: فرستاد / ب) جُلُوسٌ: نشستن ≠ قیام: ایستادن

**کلمه اضافی:** دیباج: ابریشم

۳- الف) زُمَلَاءٌ ← مفرد ← زمیل: همکار (ب) بَهِيمَةٌ ← جمع ← بهائم: چارپایان

۴- الف) سخن گفت  حرف زد

کامل کرد  حرف زد

فکر می‌کنم خیلی واضح است!

(ب)  گرمی‌تر  سیاه  سفید  زرد

به جز «أَكْرَمُ» که اسم تفضیل است، بقیه کلمات، رنگ‌اند. بعضی رنگ‌ها بر وزن «أَفْعَلُ» می‌آیند. آن‌ها را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید!

۵- الف) باتقواترین مردم کسی است که حق را در آن چه به سود یا ضررش است، بگوید. (ب) شیمیل پانزده سالش بود، هنگامی که شروع به تحصیل زبان عربی کرد.

(ج) از اخلاق نادان است پاسخ‌دادن قبل از شنیدن و مخالفت قبل از فهمیدن (از اخلاق نادان این است که پاسخ دهد قبل از این که بشنود و مخالفت کند قبل از این که بفهمد).

(د) خدایا، به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود.

(ه) باید بدانیم که تبادل واژگان بین زبان‌ها در جهان، امری طبیعی است.

۶- الف) گزینه «۲» «أَفْوَاهُ» جمع است نه مفرد، «أَعْلَمُ» هم اسم تفضیل است. ضمن این که قسمت دوم عبارت در گزینه «۱» به کل اشتباه ترجمه شده!

(ب) گزینه «۱» «قُلُّ» فعل امر است نه مضارع، ضمن این که «وِإِنَّ» یعنی «هر چند» نه «آن‌چنان».

۷- الف) از بدترین بندگان خدا کسی است که **همنشینی** با او به خاطر گفتار و کردار زشتش، ناپسند شمرده شود.

(ب) چهار دانشجو تصمیم گرفتند که در امتحان غیبت کنند و با استاد تماس تلفنی گرفتند و به او گفتند: «یکی از تابه‌های خودروی ما ترکیب و خودرویی نیست که ما را

به دانشگاه منتقل کند و نخواهیم توانست حاضر شویم.»

حتماً حواستان هست که «لَنْ» + فعل مضارع: مستقبل منفی

۸- الف) چرا از کلاس‌هایتان خارج نمی‌شوید؟ «لَا تَخْرُجُونَ» فعل مضارع منفی است. (ب) ای مؤمنان، از پروردگارتان سپاس‌گزاری کنید. («أَشْكُرُوا» فعل امر است.)

(ج) دانش‌آموزان از گردش علمی برگشتند. («مَا رَجَعُوا» فعل ماضی منفی است.)

(د) من برای زیارت عتبات عالیات مسافرت خواهم کرد. («سَوْفَ أَسَافِرُ» فعل مستقبل است.)



# درس نامه توپ برای شب امتحان

## فَن تَرْجَمَه

حتماً تا حالا متوجه شده‌اید که در ترجمه اسم تفضیل از «تر» «ترین» کمک می‌گیریم. حالا ببینیم کی از «تر» و کی از «ترین» استفاده می‌کنیم.

۱ «تر»: اگر بعد از اسم تفضیل، «مِن» بیاید، در ترجمه آن از «تر» استفاده می‌کنیم. **مثال:** هَذَا الْقَمِيصُ أَغْلَى مِنْ ذَلِكَ: این پیراهن از آن یکی گران‌تر است.

راستی! اگر اسم تفضیل، «صفت» هم شود، باید در ترجمه‌اش از «تر» استفاده کنیم؛ **مثال:** الْوَلَدُ الْأَصْغَرُ: فرزند کوچک‌تر الْبِنْتُ الْكُبْرَى: دختر بزرگ‌تر

۲ «ترین»: اگر اسم تفضیل، مضاف شود، در ترجمه‌اش از «ترین» کمک می‌گیریم. **مثال:** أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْتَهُ هُمْ لِعِبَادِهِ:

اسم تفضیل مضاف‌الیه اسم تفضیل مضاف‌الیه (مضاف)  
محبوب‌ترین بندگان خداوند، سودمندترینشان برای بندگانش است.

## اسم مکان

از اسمش پیداست که به مکان اشاره می‌کند. این اسم در عربی بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید.

**مثال:** هُنَاكَ قُرْبٌ بَيْنَنَا مَلْعَبٍ كَبِيرٍ: نزدیک خانه ما، ورزشگاه بزرگی هست. اسم مکان

ذَلِكَ مَنَزِلٌ جَدِي: آن خانه پدر بزرگم است. اسم مکان

أَخِي يَعْمَلُ فِي الْمَطْبَعَةِ: برادرم در چاپخانه کار می‌کند. اسم مکان

**توجه:** دوستان خوبم! حواستان را جمع کنید. وزن «مَفْعَلَةٌ» همیشه برای مکان به کار می‌رود، ولی «مَفْعِل» و «مَفْعَل» بین مکان و زمان مشترک‌اند. فقط در جمله می‌توانیم بفهمیم برای مکان به کار رفته‌اند یا زمان.

**مثال:** الزَّوَارُ يُدْهَبُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ فِي مَوْسِمِ الْحَجِّ: اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زائران در فصل (موسم) حج به مکه مکرمه می‌روند. اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مَبْدَأُ الْعَامِ الْهَجْرِيِّ هُوَ الشَّهْرُ الْمُحَرَّمُ: اسم زمان بر وزن «مَفْعِل»

زمان شروع سال هجری، ماه محرم است. شاهدت صدیقی فی موقف الحافلة: دوستم را در ایستگاه اتوبوس دیدم. اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

أُمِّي مَشْغُولَةٌ بِطَبْخِ الطَّعَامِ فِي الْمَطْبَخِ: اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مادرم در آشپزخانه مشغول پختن غذا است. **نکته:** جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید.

**مثال:** «مَطَاعِم» جمع «مَطْعَم» رستوران «مَنَازِل» جمع «مَنَزَل» خانه «مَلَاعِب» جمع «مَلْعَب» ورزشگاه «مَطَابِع» جمع «مَطْبَعَة» چاپخانه

## کلمات و عبارات مهم درس

### فعلها

إِجْتَنِبُوا: بپرهیزید  
إِغْتَابَ: غیبت کرد  
إِتَّقَى: پروا کرد  
بُشُّ: بد است

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ



### اسم تفضیل و اسم مکان

#### اسم تفضیل

به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف الطَّائِرَةُ أَسْرَعُ الْوَسَائِلِ فِي نَقْلِ الْمُسَافِرِينَ: هواپیما سریع‌ترین وسایل در حمل‌ونقل مسافران است.

ب مُحَمَّدٌ أَصْغَرُ مِنْ إِخْوَانِهِ: محمد از برادرانش کوچک‌تر است.

به کلماتی مانند «أَسْرَعُ» و «أَصْغَرُ» در عربی اسم تفضیل می‌گوییم. اسم تفضیل معنا و مفهوم برتری را می‌رساند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است. این اسم در عربی بر وزن «أَفْعَل» می‌آید.

بهتر است یک مثال دیگر با هم ببینیم و بعد به نکته‌های اسم تفضیل بپردازیم. هَذِهِ الْقَارَةُ أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ: این قاره، بزرگ‌ترین قاره‌ها در جهان است.

#### نکات

۱ گاهی اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَى» و «أَقْل» هم می‌آید.

**مثال:** هَذَا أَقْلُ شَيْءٍ أُرِيدُ مِنْكَ: این کم‌ترین چیزی است که از تو می‌خواهم. جَبَلٌ وُورِثَ أَغْلَى مِنْ جَبَلِ دِمَاوَنْد: کوه اورست از کوه دماوند بلندتر است.

۲ جمع اسم تفضیل را بیشتر وقت‌ها بر وزن «أَفَاعِل» می‌بینید.

**مثال:** إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ: هنگامی که فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند. («الأرادل» جمع «الأرذل» و «الأفاضل» جمع «الأفضل»)

۳ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید.

**مثال:** غَضِبَتِ الْأُخْتُ الْكُبْرَى عَلَى الْأَخْتِ الصَّغْرَى: خواهر بزرگ‌تر از دست خواهر کوچک‌تر خشمگین شد.

اما یک نکته ریز این‌جا هست! همان‌طور که می‌بینید، «الْكُبْرَى» و «الصَّغْرَى» در مثال‌های بالا اسم تفضیل‌اند و به صورت مؤنث آمده‌اند؛ چون در جمله صفت هستند. پس اسم تفضیل اگر موصوف مؤنث داشته باشد به صورت مؤنث می‌آید. چرا این را گفتیم؟ چون برای مقایسه بین دو اسم مؤنث هم از همان اسم تفضیل مذکر (یعنی بر وزن «أَفْعَل») استفاده می‌کنیم.

**مثال:** فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَهْرَاءَ: فاطمه از زهرا بزرگ‌تر است.

۴ حُبٌّ! حالا یک نکته مهم! دو کلمه «حَيْرٌ» و «شَرٌّ» را حتماً تا حالا در عربی خیلی دیده‌اید. این دو اسم هم، می‌توانند اسم تفضیل باشند. البته در دو حالت:

۱) بعد از آن‌ها «مِن» بیاید.

**مثال:** عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ حَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ: دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است. ۲) مضاف شوند؛ یعنی بعد از آن‌ها مضاف‌الیه بیاید.

**مثال:** شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَسْلُمُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ: اسم تفضیل مضاف‌الیه (مضاف)

بدترین مردم کسی است که مردم از دست و زبانش، در امان نباشند.

اگر موافقید، از هر کدام دوباره یک مثال ببینیم:

تَفَكَّرْتُ سَاعَةً حَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن از هفتاد سال عبادت، بهتر است. حَيْرٌ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ: بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.

اسم تفضیل مضاف‌الیه (مضاف)



نیکوتر است، ستیز کن. <sup>۱</sup> بی شک پروردگارت به حال کسی که از راهش گمراه شده، آگاه تر است. («أَحْسَنُ» و «أَعْلَمُ» اسم تفضیل اند).  
 مَنْ سَاءَ حُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ: هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می دهد. (بعد از «مَنْ» فعل های ماضی را به صورت مضارع ترجمه می کنیم تا ترجمه مان روان تر شود).  
 «مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرَقِدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت. این چیزی است که خداوند بخشاینده وعده داده بود و فرستاده شدگان راست گفتند. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من فقط برای کامل کردن بزرگواری های اخلاق مبعوث شدم یا من فقط مبعوث شدم تا بزرگواری های اخلاق را کامل کنم. («بُعِثْتُ» فعل ماضی مجهول است).

كما حَسَّنْتَ خَلْقِي: همان طور که آفرینشم را نیکو گردانیدی.

أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ: سنگین تر در ترازوی اعمال

زاید: به علاوه، تقسیم عَلِيٌّ: تقسیم بر، فِي: ضرب در، نَاقِصٌ: منهای، يُساوِي: برابر است با يُحْسِنُ: نیکی می کند، اِقْتَرَبَ: نزدیک شد، اِنْكِسَارٌ: شکسته شدن  
 يَسْتَعْفِرُ: طلب آمرزش می کند لا يُسَافِرُ: مسافرت نمی کند  
 تَعَلَّمَ: بیاموز لا تَتَّبِعُوا: عوض نکنید  
 سَوِّفُ يَعْلَمُ: آموزش خواهد داد اَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ: خداوند آرامشش را نازل کرد.  
 «إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ»: بی گمان تو بسیار دانا به نهان ها هستی.  
 «لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.  
 الْكَلَامُ فِضَّةٌ: سخن (مانند) نقره است.

عَدَاوَةٌ: دشمنی صداقَةٌ: دوستی

يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد (داری).

يا أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ: ای مهربان ترین مهربانان

ساتر: پوشاننده عَفَّارُ الذُّنُوبِ: (بسیار) آمرزنده گناهان

اسم های تفضیل	
اسم تفضیل	صفت معمولی
أَكْبَرُ: بزرگ تر، بزرگ ترین	كَبِيرٌ: بزرگ
أَهَمُّ: مهم تر، مهم ترین	مُهْمَمٌ: مهم
أَحْسَنُ: بهتر، بهترین	حَسَنٌ: خوب
أَفْضَلُ: بهترین، بهترین	—
خَيْرٌ: بهتر، بهترین	خَيْرٌ: خوب
شَرٌّ: بدتر، بدترین	شَرٌّ: بد
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	عَالِيٌّ: عالی: بلند
أَعْلَى: گران تر، گران ترین	عَالِيٌّ: گران
أَحَبُّ: دوست داشتنی تر، دوست داشتنی ترین	مَحْبُوبٌ: دوست داشتنی
أَقَلُّ: کم تر، کم ترین	قَلِيلٌ: کم
أَكْثَرُ: بیشتر، بیشترین	كَثِيرٌ: زیاد
أَعْلَمُ: داناتر، داناترین	عَلِيمٌ: دانا
أَوْسَطُ: میانه تر، میانه ترین	—
أَثْقَلُ: سنگین تر، سنگین ترین	ثَقِيلٌ: سنگین
أَرْحَمُ: ارزان تر، ارزان ترین	رَخِيسٌ: ارزان

اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَلْعَبٌ: ورزشگاه	لَعِبَ: بازی
مَطْعَمٌ: رستوران	طَعَامٌ: غذا
مَصْنَعٌ: کارخانه	صُنِعَ: ساختن
مَطْبُخٌ: آشپزخانه	طَبَخَ: پختن

۱- البته در این آیه بهتر است «جاوِلٌ» را «مباحثه کن» ترجمه کنیم.

سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد

قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد

لَمَرَّ: عیب گرفت

تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد

عَابَ: عیبجویی کرد، عیب دار کرد

كَرِهَ: ناپسند داشت

### سایر کلمات و عبارات

إِثْمٌ: گناه  
 تَوَابٌ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده  
 عَجَبٌ: خودپسندی  
 فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه  
 لَحْمٌ: گوشت  
 تَنَابُؤٌ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن  
 تَوَاصَلٌ: ارتباط  
 عَسَى: شاید  
 فَضُحٌ: رسوا کردن  
 مَيِّتٌ: مرده

### متن درس

«إِجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ»: از بسیاری از گمان ها بپرهیزید.

لا يَسْخَرَنَّ: نباید مسخره کند.

عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ: شاید از آن ها بهتر باشند.

«لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ»: از یکدیگر عیب نگیرید و به یکدیگر لقب های زشت ندهید.

مَنْ لَمْ يَشُبْ: هر کس توبه نکند.

«بَعْضُ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا»: بعضی از آن ها گناه اند و جاسوسی نکنید و نباید بعضی از شما غیبت برخی دیگر را کند.

«أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا»: که گوشت برادر مرده اش را بخورد.

«فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ»: آن را ناپسند می دانید و تقوای خدا پیشه کنید.

أَنْ تَتَّبِعُوا عَنِ الْعُجْبِ: که از خودپسندی دوری کنیم.

يَكْلِمُ خَفِيًّا: با سخنی پنهان لا تَلْقَبُوهُمْ: به آن ها لقب ندهید.

حَرَّمَ اللَّهُ: خداوند حرام کرده است.

الاسْتِهْزَاءُ بِالْآخِرِينَ وَ تَسْمِيَتُهُمُ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: مسخره کردن دیگران و نامیدن آن ها با نام های زشت.

لِنَضْحَمِهِمْ: برای رسوا کردنشان

قَطَعَ التَّوَاصِلَ: قطع ارتباط

كِبَائِرُ الذُّنُوبِ: گناهان کبیره (بزرگ)

### کلمات حواری (گفت و گو)

سِعْرٌ: قیمت سِتُونَ أَلْفًا: شصت هزار

أَرْحَمُ: ارزان تر، ارزان ترین

تَقْصَلِي: بفرما غَالِيَةٌ: گران

أَفْضَلُ: بهتر التَّوَعِيَّةُ: جنس

رَمِيلٌ: همکار مَتَجَرٌّ: مغازه

### کلمات و عبارات تمارین

أَعْلَمُ النَّاسِ: داناترین مردم أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ: محبوب ترین بندگان خداوند

أَنْفَعُهُمْ: سودمندترینشان أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ: برترین کارها

فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا: ما را ببامرز و ما را ببخشای. خَيْرُ الرَّاحِمِينَ: بهترین رحم کنندگان

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد. (چون «خیر» مضاف شده، به صورت اسم تفضیل ترجمه می شود).

مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهَوَّ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، او از چهارپایان هم بدتر است. (اولاً چون فعل ماضی «غَلَبَتْ» چیره شد بعد از «مَنْ» هر کس)

آمده به صورت مضارع ترجمه می شود. ثانیاً بعد از «شَرٌّ» که اسم تفضیل است، «مِنْ» آمده، پس در ترجمه اش از «تر» استفاده می کنیم).

شَرُّ النَّاسِ: بدترین مردم

«وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»: آخرت بهتر و پایدارتر است.

«جَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ»: با آن ها با روشی که

جمع مکسر		
جمع	مفرد	ترجمه
إخوان	أخ	برادر، دوست
بَهَائِم	بَهِيمَةٌ	چهارپا
مَدَارِس	مَدْرَسَةٌ	مدرسه
مَلَاعِب	مَلْعَب	ورزشگاه
مَطَاعِم	مَطْعَم	رستوران
مَنَازِل	مَنْزِل	خانه
أَسْعَار	سِعْر	قیمت
سَراوِیل	سِرْوَال	شلوار
ذُنُوب	ذَنْب	گناه

## الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَخْصَرِ الْمَعْلَمِ

### جملات شرطیه

به جملات زیر دقت کنید:

﴿ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ ﴾: هر چه از کار نیک انجام دهید، خداوند آن را می‌داند.  
 ﴿ مَنْ يَجْتَهِدْ فِي حَيَاتِهِ يَنْجَحْ بِلا شَكْ ﴾: هر کس در زندگی‌اش تلاش کند، بدون شک موفق می‌شود.

﴿ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ﴾: اگر از خدا پروا کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل را قرار می‌دهد.

حتماً حدس زده‌اید دربارهٔ چه موضوعی می‌خواهم حرف بزنم! آفرین! جملات شرطیه. به جملاتی مانند جملات بالا «جملات شرطیه» می‌گوییم. این جملات سه رکن اصلی دارند:

**الف) ادات شرط:** به کلمات «إِنْ، اگر»، «مَا، هر چه» و «مَنْ» ادات شرط می‌گوییم. این کلمات در ابتدای جمله شرطیه می‌آیند.

**ب) فعل شرط:** فعلی است که بلافاصله بعد از ادات شرط می‌آید، در مثال‌های بالا: «تَفْعَلُوا: انجام دهید»، «يَجْتَهِدْ: تلاش کند» و «تَتَّقُوا: پروا کنید» فعل شرط‌اند. از اسمشان پیداست که این فعل، شرطی را برای جمله می‌گذارد. در واقع اگر فعل شرط محقق شود، به دنبالش اتفاق دیگری می‌افتد. (الآن توی پواب شرط می‌گم چه اتفاقی)

**ج) فعل جواب شرط:** به‌جز فعل شرط در جملات شرطیه یک فعل دیگر هم وجود دارد. این فعل در حقیقت نتیجهٔ شرط است؛ یعنی اگر فعل شرط محقق شود، فعل جواب شرط هم محقق می‌شود. در مثال‌های بالا «يَعْلَمُ: می‌داند»، «يَنْجَحُ: موفق می‌شود» و «يَجْعَلُ: قرار می‌دهد» فعل جواب شرط‌اند.

### تغییر در ظاهر فعل‌های شرط و جواب شرط

ادات شرط تغییراتی را در فعل‌های شرط و جواب شرط به وجود می‌آورند که عبارت‌اند از:

**الف) اگر آخر فعل (ت) باشد، به ساکن (ن) تبدیل می‌شود.**

**ب) اگر آخر فعل «ن» باشد، «ن» حذف می‌شود.**

**ج) فعل‌های جمع مؤنث هیچ تغییری نمی‌کنند.**

به مثال‌های زیر دقت کنید:

**الف) مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا:**

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

هر کس قبل از حرف‌زدن، بیندیشد، از اشتباه در امان می‌ماند.

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

**ب) مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوا عِنْدَ اللَّهِ:**

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

هر چه از خوبی انجام دهید، آن را نزد خداوند می‌یابید.

ادات شرط فعل شرط فعل جواب شرط

اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَحْمَل: کجاوه	حَمَل: بُرَدن
مَنْزِل: خانه	نَزول: فرود آمدن
مَكْتَبَة: کتابخانه	كَيْتَابَة: نوشتن
مَطْبَعَة: چاپخانه	طَبَع: چاپ کردن
مَدْرَسَة: مدرسه	دِرَاسَة: تحصیل
مَتَجَر: مغازه	تِجَارَة: دادوستد
مَوْقِف: ایستگاه	وَقُوف: ایستادن

### مترادف

أَفْضَل	=	أَحْسَن	=	رَبِّمَا	=	عَسَى
بِهتر	=	بِهتر	=	شاید	=	شاید
ذَنْب	=	إِثْم	=	عَاب	=	لَمَزَ
گناه	=	گناه	=	عیب‌جویی کرد	=	عیب‌گرفت
أَفْضَل	=	خَيْر	=	جُهِد	=	مُحَاوَلَة
بِهتر	=	بِهتر	=	کوشش	=	تلاش
قَرَب	=	إِقْتَرَبَ	=	إِتْتَعَدَ	=	إِجْتَنَبَ
نزدیک شد	=	نزدیک شد	=	دوری کرد	=	دوری کرد

### متضاد

سوء	≠	حُسْن	≠	شَرّ	≠	خَيْر
بدی	≠	خوبی	≠	بد، بدتر	≠	خوب، بهتر
ظاهر	≠	خَفِيّ	≠	حَيّ	≠	مَيّت
آشکار	≠	پنهان	≠	زنده	≠	مرده
جمیل	≠	قَبِيح	≠	تَوَاضَع	≠	عُجْب
زیبا	≠	زشت	≠	فروتنی	≠	خودپسندی
أَرْخَصَ	≠	أَعْلَى	≠	أَضْعَر	≠	أَكْبَر
ارزان‌تر	≠	گران‌تر	≠	کوچک‌ترین	≠	بزرگ‌ترین
أَكْثَر	≠	أَقَلّ	≠	أَحَبّ	≠	كِرَة
بیشتر	≠	کم‌تر	≠	دوست داشت	≠	ناپسند داشت
إِهْتَدَى	≠	ضَلّ	≠	أَرَادِل	≠	أَفْاضِل
هدایت شد	≠	گمراه شد	≠	فرومایگان	≠	شایستگان
صَدَاقَة	≠	عَدَاوَة	≠	خِيَاة	≠	أَمَانَة
دوستی	≠	دشمنی	≠	خیانت	≠	امانت

### جمع مکسر

جمع	مفرد	ترجمه
عُيُوب	عَيْب	عیب
أَسْرَار	سِرّ	راز
كِبَائِر	كَبِيرَة	گناه بزرگ
أَرَادِل	أَرْدَل	فرومایه
أَفْاضِل	أَفْضَل	شایسته
عِبَاد	عَبْد	بنده
أَعْمَال	عَمَل	کار